

Iraq's Future Political System: Drivers and Forward Scenarios

Ali Akbar Asadi*

Assistant Professor, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran,
(Corresponding Author) a.asadi@ihcs.ac.ir.

Mohammadzaman Rastgoo

Ph.D. in International Relations, mzrastgoo@gmail.com

Abstract

Objective: the civil war intensified as a result of the ethno-religious identities highlighted by the Baathist regime change in Iraq in 2003; In the following these conflicts, with the advent of ISIS, regional and international interventions in the country reached their highest levels; finally, Iraq's future direction in the form of a nation-state confronted with serious challenges by holding a referendum on independence for Kurdistan. So, the main question of the study is that what can be considered scenarios for the Iraqi political system for the next decade under the influence of the political-social environment of Iraq and the various components of domestic, regional and international?

Method: in order to perform this future study, we use Peter Schwartz scenario planning method.

Results: After examining the factors and drivers affecting ethno-religious conflicts of Iraq in three domestic, regional and international dimensions, we identified two main uncertainties - as determinants and with limited certainty - about the future of the Iraqi political system which are: Increase or decrease in authority of the central government; and increase or decrease in ethnic and religious conflicts. Based on these uncertainties, three major scenarios were designed: integrated Iraq with the Kurdish region, disintegration of Iraq and federalism.

Conclusion: If the power and authority of the central government increases and ethno-religious conflicts are reduced, the Iraqi political system will lead to coherence. Reduction in the authority of the central government and as well as increasing ethnic-religious conflicts will break down Iraq. The simultaneous increase in the authority of the central government and ethno-religious conflicts will also lead to the emergence of a federalist scenario (based on ethno-religious lines).

Keywords: Iraq, Political System, Disintegration, Federalism, Integration, Futures Studies.

آینده نظام سیاسی عراق: پیشران‌ها و سناریوهای پیشرو

علی‌اکبر اسدی*

استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)، a.asadi@ihcs.ac.ir

محمد زمان راستگو

دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل، mzrastgoo@gmail.com

چکیده

هدف: با تغییر نظام سیاسی بعثی در عراق در سال ۲۰۰۳ و در نتیجه برجسته شدن هویت‌های قومی و مذهبی جنگ داخلی شدت یافت؛ با ظهور داعش، مداخلات منطقه‌ای و بین‌المللی در این کشور به بیشترین حد خود رسید و در نهایت با برگزاری همه‌پرسی استقلال کردستان، سمت‌وسوی آینده عراق در قالب یک دولت-ملت با چالش‌هایی جدی مواجه شد؛ هدف اصلی پژوهش بررسی این مسئله است که تحت تأثیر فضای سیاسی-اجتماعی عراق و مؤلفه‌های مختلف داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، چه سناریوهایی برای نظام سیاسی عراق در یک دهه آینده قابل تصور است؟

روش: در این تحقیق از رویکرد آینده‌پژوهی و روش سناریونویسی پیترو شوارتز استفاده شده است.
یافته‌ها: پس از بررسی عوامل و پیشران‌های تأثیرگذار در آینده نظام سیاسی عراق، دو عدم قطعیت اصلی - به مثابه عوامل تعیین‌کننده و با قطعیت کم - در خصوص آینده نظام سیاسی این کشور شناسایی شده است که عبارت است از: افزایش یا کاهش اقتدار دولت مرکزی؛ و افزایش یا کاهش منازعات قومی و مذهبی. سه سناریو اصلی بر اساس این عدم قطعیت‌ها طراحی شده‌اند: عراق منسجم با اقلیم کردی، تجزیه عراق و فدرالیسم.

نتیجه‌گیری: در صورتی که توان و اقتدار دولت مرکزی افزایش و منازعات قومی - مذهبی کاهش یابد، نظام سیاسی عراق، به سمت انسجام سوق می‌یابد. کاهش اقتدار دولت مرکزی و افزایش منازعات قومی - مذهبی باعث تجزیه عراق می‌شود. افزایش هم‌زمان اقتدار دولت مرکزی و منازعات قومی و مذهبی نیز منجر به ظهور سناریوی فدرالیسم (بر مبنای خطوط قومی - مذهبی) خواهد شد.

واژگان کلیدی: عراق، نظام سیاسی، تجزیه، فدرالیسم، انسجام، آینده پژوهی.

مقدمه

نزاع بر سر آینده نظام سیاسی عراق، تأثیرات منفی زیادی از حیث داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، بر اوضاع جامعه عراق و هم‌چنین نتایج ویرانگری بر سیاست، جامعه و اقتصاد این کشور داشته است. فروپاشی رژیم بعث در آوریل ۲۰۰۳، به منزله عبور عراق از شرایط خاص دوره بعثی بود که حاکمیت نظام سیاسی متمرکز و فقدان تکثرگرایی از مشخصه‌های اصلی آن بوده است. در شرایط نوین، عراق شاهد تغییر و تحولات جدید، فرصت‌ها و تهدیدات متعددی بوده که باعث نوع جدیدی از نقش‌آفرینی بازیگران مختلف شده است. تهدیدات و چالش‌های مختلف در سال‌های پس از ۲۰۰۳ از جمله تروریسم و افراط‌گرایی، تشدید جدایی‌طلبی کردهای عراق، تقویت تمایلات گریز از مرکز در اهل سنت و انواع متعددی از چالش‌های سیاسی - امنیتی و اقتصادی آینده نظام سیاسی عراق را به‌عنوان مسئله‌ای کلیدی مطرح ساخته است.

هرچند در قانون اساسی عراق، نظام سیاسی جدید این کشور نظامی فدرال و دموکراتیک ذکر شده است؛ و تلاش‌های بسیاری صورت گرفته است تا عراق نوین بر اساس دو مؤلفه فدرالیسم و دموکراسی پارلمانی بنا شود، اما در عمل چالش‌های مختلف، باعث طرح دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص تداوم، کارآمدی و آینده نظام و شرایط سیاسی موجود شده است. در واقع تقویت گرایش‌های واگرایانه در عراق، مشکلات و پیچیدگی‌های روند سیاسی، ناکارآمدی‌های مشهود در مدیریت اقتصادی و امنیتی و افزایش نارضایتی در میان شهروندان عراقی از جمله واقعیت‌های عراق کنونی هستند که تداوم نظام سیاسی موجود را با چالش‌ها و ابهامات مختلفی روبرو کرده است.

در حالی که آینده عراق تحت تأثیر مجموعه گسترده‌ای از مؤلفه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی قرار دارد، روندها و رویکردهای متفاوت و حتی متعارض، هم‌چنین عدم قطعیت‌های مختلفی درباره‌ی این مسئله قابل طرح است؛ بنابراین، سخن گفتن از آینده نظام سیاسی عراق در چنین فضایی به یکی از موضوعات دشوار در سطح منطقه‌ای تبدیل شده است. با توجه به این مقدمه، پرسش اصلی این است که تحت تأثیر فضای سیاسی - اجتماعی عراق و مؤلفه‌های مختلف داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، در یک دهه آینده چه سناریوهایی برای نظام سیاسی عراق قابل ترسیم است؟ برای بررسی این مسئله، با استفاده از رویکرد آینده‌پژوهی و با بهره‌گیری از سناریونویسی - روش پیترو شوارتز تلاش می‌شود - ابتدا اصلی‌ترین عوامل و پیشران‌های اثرگذار بر نظام سیاسی عراق استخراج و تبیین شود؛ سپس سناریوهای محتمل نظام سیاسی عراق ترسیم و تشریح شود. این پژوهش به لحاظ ساختاری شامل یک مقدمه، متن و نتیجه‌گیری است که در قسمت متن، بعد از اشاره به پیشینه و روش‌شناسی، عوامل و پیشران‌های اثرگذار در آینده نظام سیاسی عراق در دو بخش عوامل و پیشران‌های داخلی و خارجی بررسی می‌شود و با تعیین عدم قطعیت‌های کلیدی سناریوهای بدیل نظام سیاسی عراق ترسیم می‌گردد.

۱- پیشینه پژوهش

درباره‌ی چالش‌ها و مشکلات درونی عراق پس از صدام و آینده نظام سیاسی این کشور تحقیقات زیادی به زبان‌های مختلف از جمله فارسی، انگلیسی و عربی انجام شده است که در اینجا به صورت مختصر به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

پیتر گالبرایت در کتاب «پایان عراق: چگونه بی‌کفایتی آمریکا جنگ نافرجامی را رقم زد؟» عنوان می‌کند آمریکا که در زمان کوتاهی توانست عراق را به اشغال خود در آورد، برای دوران پس از اشغال هیچ برنامه‌ای نداشت و این عدم برنامه موجب شعله‌ور شدن جنگ داخلی شده است که عملاً به تجزیه عراق منجر خواهد شد. این نویسنده به عنوان نتیجه بحث خود بیان می‌کند که تجزیه عراق به سه کشور بهترین گزینه برای آینده عراق است (گالبرایت، ۱۳۹۲: ۱۵-۲۲). هم‌چنین برندن آلیری و همکارانش نیز در کتابی با عنوان «آینده کردستان در عراق» به وضعیت کرکوک و احتمالات استقلال کردستان عراق می‌پردازند و بر کل عراق متمرکز نیست (O'Leary, 2006).

کتاب «آینده عراق پس از تغییر رژیم» نوشته تویی داج نیز از جمله تحقیقات انجام شده درباره‌ی آینده سیاسی عراق است که بر وضعیت و فرصت‌های سیاسی شیعیان عراق متمرکز است (Dodge, 2005). «آینده عراق: دیکتاتوری، دموکراسی یا تجزیه؟» عنوان پژوهشی نوشته‌ی لیام اندرسون و گرت استنسفیلد است که با توجه به آمال و اهداف هرکدام از گروه‌های عراقی، پیش‌بینی‌هایی را در مورد چالش‌ها و یا همکاری‌های این گروه‌ها با یکدیگر در حکومت آینده عراق انجام داده‌اند و عمده بحث آن‌ها چالش‌های دموکراسی در عراق آینده است (Anderson and Stansfield, 2014).

«عرب‌های سنی عراق؛ تاریخ، واقعیت و آینده‌شان» نوشته عبدالرحمن الرواشدی و همکارانش، پژوهشی است که به مباحث گذشته، حال و آینده‌ی سنی‌های عراق پرداخته است و موضوعات تاریخی این کشور از زمان عثمانی، انقلاب عشرين و دوره کنونی را با روایتی متفاوت و متمایل به سنی‌ها و حاکمان سابق بررسی می‌کند. این کتاب دیدگاه بدبینانه‌ای درباره‌ی شیعیان عراق و ایران ارائه می‌دهد (الرواشدی، ۲۰۱۲). محمد صادق الهاشمی در کتاب «پروژه آشتی و آینده سیاسی عراق» نیم‌نگاهی به آینده عراق دارد که باید راه‌حل خود را در مفهوم «آشتی ملی» بیابد. به اعتقاد نگارنده، این مهم با مؤلفه‌ها و عناصر متعدد فرهنگی و ملی قابل تحقق است. وی به ضرورت وحدت و پرهیز از تفرقه و تجزیه‌طلبی در عراق باور دارد (الهاشمی، ۲۰۰۷). کتاب «عراق در جستجوی آینده» به قلم حسن لطیف الزبیدی و همکارانش به تحولات سیاسی- اجتماعی عراق از دوره صدام تا دوره جدید می‌پردازد. هم‌چنین با تبیین نقش بازیگران مختلف داخلی و خارجی در این کشور، اشاره‌ی مختصری به سناریوهای آینده‌ی عراق دارد (الزبیدی و دیگران، ۱۳۹۵). فرزاد پورسعید در مقاله «برآورد استراتژیک عراق آینده» برآیندی از

وضعیت کنونی و گذشته عراق، نوع بازیگری و تمایلات بازیگران مؤثر اعم از داخلی و خارجی، فرصت‌ها و تهدیدات پیش‌رو و آسیب‌پذیری‌ها و مزیت‌های آنها در عرصه داخلی و منطقه‌ای ارایه می‌دهد. در این چارچوب، مقاله حاضر به تخمین راهبردی عراق آینده می‌پردازد و این مهم را از خلال نقد سناریوی ایده‌آلیستی امکان‌پذیر می‌داند (پورسعید، ۱۳۸۹).

مطالعه مجموعه بررسی‌ها و پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد، این تحقیقات به‌رغم تلاش‌های مؤثر برای فهم شرایط حاضر و آینده عراق، از چند منظر کاستی‌هایی دارند که مقاله حاضر در پی پرداختن به آنهاست. نخست اینکه مطالعات قبلی با توجه به سرعت تحولات عراق -که بخش عمده این پژوهش است- به تحولات و شرایط سال‌های جدید عراق یعنی سال‌های پس از برگزاری همه‌پرسی استقلال کردستان در سال ۲۰۱۷، اشاره نکرده‌اند. دوم اینکه اکثر این بررسی‌ها جامع نبوده و غالباً به رویکردها و منافع برخی بازیگران یا جریان‌های خاص اشاره کرده و در پرداختن به کلیت عراق ناتوان بوده‌اند. اما سومین و مهم‌ترین خلأ موجود در پژوهش‌های مربوط به آینده نظام سیاسی عراق، عدم استفاده از رویکردها و روش‌های آینده‌پژوهی است که به صورت جامع و روشمند به ارایه سناریوهایی در مورد آینده سیاسی عراق بپردازند.

۲- روش پژوهش

در این پژوهش از روش سناریوسازی پیتز شوارتز^۱ استفاده شده است. به اعتقاد شوارتز، سناریوها ابزاری برای نظم بخشیدن به درک و تصور شخصی نسبت به محیط‌های بدیل آینده هستند که تصمیم‌های آن شخص ممکن است در هر کدام از آنها به‌وقوع بپیوندد. به عبارت دیگر، سناریوها دسته‌ای از روش‌های سازمان‌یافته جهت تصور و تخیل مؤثر درباره آینده و وسیله‌ای برای کمک به یادگیری افراد هستند. هدف سناریوها گردآوری و تبدیل اطلاعات راهبردی مهم به ادراک جدید و نو است (شوارتز، ۱۳۸۷: ۲۲۵).

در روش شوارتز گام‌های مختلفی برای طراحی سناریو پیش‌بینی شده است که هدف اصلی و نهایی را ارایه سناریوهای بدیل درباره‌ی موضوع مورد تحقیق قرار داده است. نخستین گام در این روش، شناسایی موضوع یا مسئله اصلی تحقیق یعنی نظام سیاسی عراق است. شناسایی عوامل و عناصر کلیدی و هم‌چنین پیشران‌ها گام‌های بعدی است. در مرحله بعد عوامل و پیشران‌های اصلی به عنوان عدم قطعیت‌های کلیدی یا بحرانی شناسایی می‌شوند که در نهایت بعد از انتخاب منطق سناریوها، سناریوهای بدیل طراحی می‌شوند. در گام نهایی سناریوها پربار شده و مضامین و عناصر آنها مشخص می‌شود (شوارتز، ۱۳۸۶: ۲۱۳-۲۲۷). در این پژوهش روش جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز بر اساس روش کتابخانه‌ای و اسنادی و هم‌چنین

1. Peter Schwartz

بهره‌گیری از نظرات خبرگان است. نظرات خبرگان با مصاحبه عمیق و هم‌چنین برگزاری نشست‌های خبرگی به دست آمده است.^۱

۳- عوامل و پیشران‌های اثرگذار در آینده نظام سیاسی عراق

گام نخست در روش شوارتز، شناسایی عوامل کلیدی و پیشران‌هایی است که تأثیر زیادی بر مسئله مورد بررسی دارند. بر این اساس، ابتدا به شناسایی و تبیین اصلی‌ترین عوامل و پیشران‌های داخلی عراق پرداخته می‌شود؛ سپس در ادامه عوامل و پیشران‌های خارجی مورد بررسی قرار خواهند گرفت. برای بررسی عوامل و پیشران‌های اصلی که آینده نظام سیاسی عراق را تحت تأثیر قرار می‌دهند، در خصوص بُعد داخلی مؤلفه‌ها به سه بخش شیعیان، کردها و اهل سنت تقسیم می‌شوند؛ و در مورد رویکردهای خارجی، مؤلفه‌ها در دو بخش بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

الف) شیعیان

جامعه شیعی عراق را می‌توان اصلی‌ترین بخش حامی عراق واحد و یکپارچه دانست. به‌رغم تلاش احزاب کردی برای جدایی و تقویت گرایش‌های مرکزگرای در کردها، شیعیان با تسلط بر ساختارهای قدرت در دولت مرکزی نیروی اصلی حفظ عراق واحد و مقابله با تمرکززدایی بوده‌اند. به عبارتی، دو عامل اساسی در این باره را می‌توان شامل اکثریت جمعیتی شیعی و قرار گرفتن شیعیان در رأس هرم نظام سیاسی دانست. ضمن اینکه مزیت‌های ژئوپلیتیک باعث می‌شود که شیعیان در مقایسه با کردها و سنی‌های عرب، در هرگونه تحول واگرایانه در عراق دست برتر را داشته باشند و بتوانند به کنترل بیشتر روندهای درونی عراق از جمله در موضوع واگرایی یا همگرایی بپردازند. با این حال، به‌رغم مزیت‌های ژئوپلیتیک، نمی‌توان برخی آسیب‌پذیری‌های جامعه شیعی در این باره را نادیده گرفت. تداخل جمعیتی شیعی - سنی در بغداد و واقع شدن حرم‌های مظهر امامان شیعه (ع) در مناطق سنی‌نشین کاظمین و سامرا از جمله این آسیب‌هاست که تمایل شیعیان را برای تداوم عراق منسجم افزایش می‌دهد (ناکاش، ۱۳۸۲: ۷۰-۶۸).

هم‌چنین قدرت اقتصادی عراق، بیشتر به جنوب این کشور وابسته است که علاوه بر نفت، بر پایه کشاورزی، تجارت و گردشگری مذهبی است؛ بنابراین، موضوع اقتصادی مانعی برای شیعیان در صورت تجزیه عراق نخواهد بود، اما ظرفیت اقتصادی جنوب منجر به تقویت

۱. در این پژوهش با ۱۵ نفر از کارشناسان و تحلیل‌گران باسابقه کشور در حوزه عراق و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تحصیلات کارشناسی به بالا مصاحبه عمیق انجام شده است. هم‌چنین در دو پنل خبرگی از نظرات پنج نفر از خبرگان عراق و سیاست خارجی کشور با تحصیلات کارشناسی به بالا برای نهایی سازی پیشران‌ها، مشخص ساختن عدم قطعیت‌ها و طراحی سناریوها استفاده شده است.

یکپارچگی عراق می‌شود. ضمن اینکه تسلط شیعیان بر دولت و فرماندهی نیروهای مسلح از سوی نخست‌وزیر شیعی باعث به‌کارگیری نیروهای نظامی و امنیتی جهت حفظ عراق واحد و منسجم می‌شود. علاوه بر این، شکل‌گیری نیروهای الحشدالشعبی از سال ۲۰۱۴ به بعد، قدرت نظامی شیعیان و توانمندی آن‌ها را برای حفظ و تداوم عراق واحد افزایش داده است (اسدی، ۱۳۹۵ الف: ۱۶-۱۵).

در کنار مؤلفه‌های سیاسی، جمعیتی، اقتصادی و نظامی - امنیتی، نگاه جریان‌ها و بازیگران شیعی نیز به مسئله آینده نظام سیاسی عراق اهمیت بالایی دارد. بررسی‌های مختلف از جمله رویکرد بازیگران شیعی در قبال همه‌پرسی استقلال کردستان عراق در سال ۲۰۱۷، نشان می‌دهد که جریان‌های مختلف سیاسی از حزب‌الدعوه تا جریان صدر به‌رغم برخی اختلافات در سطح کلان، بر حفظ عراق واحد و منسجم تأکید دارند. ضمن اینکه مرجعیت شیعی نیز به‌مثابه نیرویی با اثرگذاری بالا در عراق، مدافع اصلی وحدت این کشور محسوب می‌شود؛ به‌عنوان مثال، مخالفت آیت‌الله سیستانی با همه‌پرسی استقلال کردستان موضوعی است که نشان از دغدغه مرجعیت از تجزیه عراق دارد؛ ایشان با مخالفت با این تصمیم و متعاقب آن دعوت به پایبندی به قانون اساسی، جدایی اقلیم کردستان از عراق را موجب پیامدهای ناخواسته برای شهروندان کرد خواند. این مرجع شیعه با اشاره به اینکه «تلاش بخش شمالی برای راه‌اندازی دولت مستقل، تلاشی برای تجزیه عراق است»، همه احزاب این کشور را به پیروی از قانون اساسی دعوت کرد (موقع‌الجزیره، ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۷).

در مجموع می‌توان تأثیرگذاری مؤلفه‌های شیعی بر نظام سیاسی عراق و توانمندی‌های جامعه شیعی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی - امنیتی و ظرفیت‌های ژئوپلیتیک را به‌عنوان پیشران‌های معطوف به حفظ عراق واحد به‌شمار آورد، اما نکته مهمی که به‌عنوان عدم قطعیت کلیدی مطرح است، سطح توانمندی و انسجام گروه‌های شیعی در مدیریت کارآمد دولت عراق و افزایش قدرت بغداد برای تداوم عراق واحد است. در بررسی این مؤلفه، از یک‌سو نوع همکاری‌ها و همگرایی‌های درون جامعه شیعی بیشترین نقش را دارد؛ و از سوی دیگر، نوع رویکرد و همکاری گروه‌های کرد و سنی و هم‌چنین رویکرد بازیگران خارجی در قبال نظام سیاسی عراق اهمیت دارد.

ب) کردها

درحالی‌که شیعیان محور اصلی حاکمیت سیاسی عراق پس از صدام هستند و سعی در حفظ انسجام درونی عراق دارند؛ و اهل سنت نیز رویکردی انتقادی و اعتراضی نسبت به شرایط جدید این کشور دارند؛ کردها تاکنون بیشترین تمایلات واگرایانه و جدایی‌طلبانه را از خود بروز داده‌اند؛ و به‌عنوان نیروی اصلی پیش‌برنده جریان تجزیه عراق محسوب می‌گردند.

دو جریان اصلی و سنتی کُردی در عراق شامل حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی از دهه‌های گذشته گرایش جدی‌ای به خودمختاری و واگرایی داشته‌اند؛ این موضوع در مرانامه این احزاب و رفتارهای آن‌ها ظهور یافته است (الزبیدی، العبادی و السعدون، ۱۳۹۴: ۲۸۴). در شرایط کنونی نیز به‌رغم اختلافات درونی در مورد زمان و نحوه جدایی از عراق نه تنها دو حزب اصلی کُردی، بلکه جریان‌های اسلامی مانند اتحادیه اسلامی و جماعت اسلامی و جنبش تغییر نیز بر حق اکراد برای جدایی از عراق تأکید دارند. بر این اساس، اجماع سیاسی نسبی در میان جریان‌های کُردی عامل مهم تداوم شرایط فدرالی و حرکت تدریجی به سوی گزینه‌های فراتر مانند کنفدرالیسم و حتی جدایی از عراق و تشکیل دولت کُردی است.

در کنار بسترهای تاریخی و اجماع سیاسی نسبی، ارزیابی نحوه تأثیرگذاری ویژگی‌های هویتی، ژئوپلیتیک، اقتصادی و نظامی کُردها نیز بر آینده نظام سیاسی عراق موضوعی کلیدی به حساب می‌آید (نک: اسدی، ۱۳۹۵ ب: ۲۱-۱۹). کُردها واجد عناصر فرهنگی و هویتی خاصی هستند که آن‌ها را از این حیث نسبت به سایر گروه‌ها متمایز می‌سازد. به لحاظ فرهنگی و هویتی بین فرهنگ کردستان و فرهنگ عربی عراق نوعی استقلال و تمایز اساسی وجود دارد. این هویت متمایز باعث تقویت گرایش‌های واگرایانه کُردی می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۵-۱۴). هم‌چنین در کنار عامل هویتی، پیوستگی ژئوپلیتیک کُردها نیز به‌مثابه پیشرانی است که به ایجاد دولت کُردی کمک می‌کند. با این حال، وجود مناطق کُردنشین در خارج از اقلیم کردستان از جمله استان کرکوک مانع مهمی برای جدایی طلبی کُردی است.

استقلال و خوداتکایی اقتصادی از جمله پیش‌شرط‌های ضروری کُردها برای حرکت به سمت استقلال است. در این زمینه به‌رغم پیدایش نفت، کُردها در صدور نفت با تنگناهای مهمی روبرو هستند. بر این اساس، وابستگی کُردها به بغداد در عرصه اقتصادی هنوز هم به‌عنوان یکی از موانع واگرایی آنان به شمار می‌آید. قدرت نظامی و امنیتی کُردها به‌عنوان مولفه‌ای مهم در جدایی طلبی در طول دو دهه اخیر، افزایش فراوانی یافته و روندی تصاعدی داشته است (خسروی و اسدی، ۱۳۹۷: ۶۱-۶۰). با این حال، معضلاتی مانند فقدان تسلیحات سنگین و راهبردی و دوگانگی ساختارهای نظامی و امنیتی باعث بروز ضعف‌های اساسی شده است. در مجموع، بررسی رویکردها و مؤلفه‌های مرتبط با کُردها نشان می‌دهد، فرا رفتن از سطح نظام فدرالی و تشکیل نظام کنفدرالی و در نهایت جدایی از عراق و ایجاد دولت کُردی آرمان و هدف کلان کُردها است، اما موانع و ضعف‌های موجود، رسیدن به این هدف را دشوار و تا حدی غیرممکن ساخته است.

ج) سنی‌های عرب

اعراب سنی با وجود نارضایتی‌هایی که از وضعیت سیاسی پس از صدام دارند، اما به دلایل مختلفی از تجزیه عراق نگران‌اند. به دلیل وضعیت ژئوگنومیک منطقه محل سکونت اهل سنت،

تجزیه عراق به معنای محرومیت از نعمت نفت و دیگر درآمدهای سرشار جنوب و شمال است (قاسمی، ۱۳۸۹: ۴۴). پس، کمبود منابع و وابستگی به بودجه دولت مرکزی یکی از موانع اصلی اهل سنت برای تلاش‌های واگرایانه است و در نتیجه این مانع، تأکیدی بر حفظ عراق واحد محسوب می‌شود. هم‌چنین غالب سنی‌ها در قسمت‌های خشک و خالی از منابع طبیعی زندگی می‌کنند که در صورت تجزیه، آن‌ها منبعی برای کسب درآمد نخواهند داشت. علاوه بر این اهل سنت به لحاظ تاریخی، خود را حاکم بر سرزمین عراق می‌دانند و نمی‌خواهند حتی یک وجب آن را از دست بدهند (اسلامی، کوهی و راستگو، ۱۳۹۳: ۲۰). ضمن اینکه هویت عربی اهل سنت باعث تعلق خاطر آن‌ها به این سرزمین و تأکید بر حفظ عراق واحد شده است.

البته در سال‌های اخیر گزینه جدیدی با عنوان خودگردانی محلی و ایجاد حاکمیت محلی در مناطق اهل سنت مطرح شده است که می‌تواند در ایجاد اقلیم سنی نمود یابد؛ اما ایجاد اقلیم سنی در مرکز عراق، علاوه بر عدم اجماع تمام گروه‌های سنی بر این موضوع، موانع دیگری نیز دارد که مهم‌ترین آن‌ها، همان‌طور که اشاره شد مسئله‌ی اقتصادی است. این وابستگی اقتصادی به بغداد، مانعی اساسی در برابر هرگونه گرایش به خودگردانی محلی است. مانع دیگر، وجود مناطق مختلط‌نشین است که سدی در برابر ایجاد مناطق خودگردان محسوب می‌شوند؛ سنی‌ها مناطق مشترک زیادی با کردها و شیعیان دارند، که ایجاد اجماع در آن مناطق بسیار دشوار خواهد بود. در مجموع تأکید اهل سنت بر عراق واحد و گرایش بخشی آنها به ایجاد اقلیم سنی مهم‌ترین مؤلفه‌های اهل سنت در ارتباط با آینده نظام سیاسی عراق است.

د) بازیگران منطقه‌ای

ج.ا. ایران را می‌توان به‌عنوان تأثیرگذارترین کشور منطقه در عراق به حساب آورد. این کشور در دوره پس از صدام بیشترین حمایت را از ثبات و امنیت در عراق و تداوم روند سیاسی داشته است. ایران همواره قاطعانه از تمامیت و وحدت عراق دفاع کرده است. بارزترین موضع‌گیری ایران نسبت به این موضوع، در مسئله همه‌پرسی استقلال کردستان عراق در سال ۲۰۱۷، رخ داد. در این زمینه، مقامات ج.ا. ایران ضمن ارایه هشدارهای مختلف موضع قاطعانه‌ای در قبال همه‌پرسی استقلال اتخاذ کردند و اقدامات محدودکننده متعددی برای اعمال فشار به کردها انجام دادند. کاهش صادرات به اقلیم کردستان، بستن مرزها و حمایت از بغداد در جهت اعمال فشارهای سیاسی و نظامی بر جریان‌های جدایی‌طلب کرد در این باره حائز توجه بوده است (پیشگاهی فرد و کریمی، ۱۳۹۷: ۱۰۴۰).

درواقع، ایران دلایل مختلفی برای حمایت از عراق واحد و مخالفت با فدرالیسم گسترده، کنفدرالیسم و تجزیه عراق دارد؛ تأثیر فدرالیسم گسترده یا کنفدرالیسم و به‌ویژه تجزیه عراق بر تمامیت ارضی ایران و یکپارچگی آن جدی است؛ به‌خصوص اینکه تشکیل دولت کردی در شمال عراق تأثیرات مستقیمی بر گرایش‌های واگرایانه کردهای ایران دارد. هم‌چنین، دولت

عراق روابط مناسبی با ایران برقرار کرده و فرصت‌های مهمی را برای ج.ا. ایران به وجود آورده است. نکته مهم دیگر، تأثیر تجزیه عراق و ناامنی‌های مرتبط با آن بر ثبات منطقه و از جمله امنیت ملی ایران است که تهران را به مخالفت با روندهای واگرایانه و گرایش‌های تجزیه‌طلبانه در عراق وادار می‌کند. پس، ایران یکی از حامیان اصلی عراق واحد است؛ و در جهت ممانعت از روند استقلال‌گردی نقش مهمی ایفا می‌کند.

حساسیت ترکیه در مورد تحولات عراق را همواره باید از دریچه موضوعات و مسائل‌گردی و تأثیر تحولات کردستان عراق بر کردهای ترکیه تحلیل کرد. ترکیه با وجود روابط سیاسی و اقتصادی قابل توجهی که با اقلیم‌گردی و بارزانی‌ها دارد، اما همواره بر منافع راهبردی خود درباره حفظ عراق واحد و مخالفت با استقلال‌گردها تأکید کرده است. به خاطر این بود که آنکارا نسبت به همه‌پرسی استقلال کردستان، در همه سطوح واکنش نشان داد. از جمله اردوغان با اشاره به همه‌پرسی استقلال کردستان عراق هشدار داد، همه گزینه‌های ترکیه از جمله تدابیر اقتصادی و نظامی هوایی و زمینی در پاسخ به این همه‌پرسی روی میز هستند. حتی وی، مسعود بارزانی رئیس وقت منطقه کردستان را به دلیل اجرای طرح همه‌پرسی استقلال، متهم به خیانت‌کاری کرد و گفت: «چنین اقدامی خطر یک «جنگ قومی» را برای منطقه در پی خواهد داشت» (daily mail, 26 September 2017). گفتنی است، ترکیه ابزارهای لازم برای فشار به کردهای عراق را نیز دارد؛ ابزارهایی مانند راه ارتباطی عراق به اروپا، خطوط لوله انتقال انرژی و کنترل منابع آب دو رودخانه دجله و فرات که در مواقع لزوم می‌تواند از آنها استفاده کند (قاسمی، ۱۳۹۰: ۶۴).

عربستان سعودی نیز به‌عنوان مهم‌ترین بازیگر عربی در محیط پیرامونی عراق، انگیزه چندانی برای حمایت از فدرالیسم، کنفدرالیسم یا تجزیه عراق نداشته و از عراق واحد حمایت کرده است. هویت عربی عراق و خطرات تجزیه عراق بر تمامیت ارضی و امنیت ملی عربستان از جمله دلایلی است که باعث اتخاذ چنین رویکردی می‌شود. اهمیت هویت عربی برای عربستان به‌ویژه در برابر ایران و ترکیه از جمله مؤلفه‌هایی است که نگاه رهبران سعودی به تحولات جهان عرب از جمله عراق را متأثر می‌سازد (هینبوش و احتشامی، ۱۳۸۲: ۳۲). این هویت عربی که پیونددهنده کشورهای عربی است، عاملی برای مخالفت با تجزیه کشورهای عربی نیز است. به‌رغم رویکرد تقابلی اولیه ریاض در برابر عراق پس از صدام، بازگشایی سفارت این کشور در عراق در سال ۲۰۱۵ و گسترش جدی روابط در سال ۲۰۱۷ نشانگر رویکرد مثبت ریاض در خصوص عراق است (راستگو، ۱۳۹۷: ۱۶۹-۱۶۸). لذا عربستان با تغییر رویکرد خود، انگیزه خاصی برای بی‌ثباتی گسترده و حمایت از روندهای واگرایانه در عراق ندارد. این رویکرد در مواضع عربستان از جمله مخالفت با همه‌پرسی استقلال کردستان در سال ۲۰۱۷، به‌خوبی نمود داشته است (Ibish, 4 October 2017: worldview website).

مقامات اسرائیل ضمن اینکه خواستار تجزیه کشورهای بزرگ منطقه مانند عراق هستند، باور دارند که پیدایش دولت مستقل‌گرد با تقویت ارتباطات بین اسرائیلی‌ها و کردها باعث بهبود شرایط امنیتی اسرائیل خواهد شد (اسدی، ۱۳۹۳: ۳۰۰-۳۰۱). هم‌چنین اهمیت برقراری روابط با قومیت‌ها و کشورهای غیرعرب منطقه برای اسرائیل در قالب راهبرد محورهای پیرامونی از جمله دلایل تمایل اسرائیل به ایجاد دولت مستقل‌گردی و تجزیه عراق محسوب می‌شود. مقابله با ایران، سوریه و حتی ترکیه به‌عنوان سه هدف مهم اسرائیل در منطقه نیز می‌تواند از طریق شکل‌گیری دولت‌گردی در شمال عراق تا حد زیادی تقویت شود. صحنه‌هایی که در جریان همه‌پرسی استقلال کردستان در سال ۲۰۱۷، منتشر می‌شد و در آن پرچم اسرائیل و شعار «ما اسرائیل دومیم» به چشم می‌خورد، حاکی از آن است که تفاهم و حمایت‌های اسرائیل از شکل‌گیری دولت‌گردی تا حد گسترده‌ای پیش رفته است؛ بنابراین، هم‌زمان با پشتیبانی اسرائیل از استقلال کردستان، این کشور به‌وضوح بر شباهت‌های تاریخی خود با کردستان تأکید کرد. این موضوع کاملاً در کلمات گیدون سار، از اعضای لیکود آشکار است؛ او می‌گوید: «کردها متحد قابل‌اعتماد و همیشگی اسرائیل بوده و خواهند بود. آن‌ها، همانند ما، یک گروه اقلیت در منطقه‌اند. (اندونی، ۲۰۱۷: یورونیوز فارسی) (Andoni, 2017: Aljazeera website).

هـ) قدرت‌های بین‌المللی

درباره رویکرد امریکا، در سطح نظری و تحلیلی، طرح‌ها و نظرات افرادی مانند جو بایدن، لزی گلپ، پیترو گالبرایت و غیره بر این تأکید دارند که بهترین راه برون‌رفت از چالش‌ها و منازعات قومی و مذهبی عراق، تقسیم این کشور به سه بخش شیعه‌نشین در جنوب، سنی‌نشین در مرکز و کردنشین در شمال است (راستگو، ۱۳۸۶: ۱۶۳-۱۶۲). اما بررسی راهبردهای عینی و عملیاتی دولت امریکا در مورد عراق، دو سطح از واقعیت را نشان می‌دهد. سطح نخست و اصلی، حمایت از نظام سیاسی فدرالی به شکل کنونی در عراق و مخالفت با تجزیه این کشور است. در همین زمینه، «رکس تیلرسون» وزیر وقت خارجه ایالات متحده در سال ۲۰۱۷ با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد امریکا نتایج همه‌پرسی کردستان عراق را به رسمیت نمی‌شناسد (Salim, DeYoung and El-Ghobashy, 2017: Washington post website). اما واقعیت دوم، تلاش امریکا برای حفظ روابط خود با جوامع مختلف عراقی مانند کردها و اهل سنت مجزا از روابط با بغداد است؛ حمایت‌های امریکا از کردها باعث تفاسیر اشتباهی نسبت به رویکرد کلان امریکا در قبال عراق شده است. ضمن اینکه امریکایی‌ها از تأثیرات منفی تجزیه عراق بر ثبات منطقه‌ای نگران هستند (Galbraith, 2006: 206).

بررسی منافع و رویکردهای سایر بازیگران بین‌المللی نیز نشان می‌دهد این قدرت‌ها انگیزه چندانی برای حمایت از روند واگرایی در عراق ندارند؛ و عراق واحد هرچند متکثر را ترجیح می‌دهند. اتحادیه اروپا از گسترش بی‌ثباتی در خاورمیانه در نتیجه تجزیه عراق نگران است؛

زیرا پیامدهای آن مانند گسترش تروریسم و هجوم آوارگان به اروپا را خطرناک می‌داند؛ بدین سبب با تجزیه عراق مخالف است؛ و به همین خاطر، به شدت با همه‌پرسی استقلال در سال ۲۰۱۷، مخالفت کرد (An official website of the European Union, 26 September 2017). روسیه نیز با وجود تلاش برای بهبود روابط با کُردهای عراق، به دلایل مختلفی مانند سیاست کلان حمایت از دولت‌های مرکزی در خاورمیانه، اقلیت‌های قومی و مذهبی داخل کشور و آسیب‌پذیری درونی، نگرانی از تأثیرات بی‌ثبات کننده تجزیه عراق بر گسترش افراط‌گرایی و سوءظن نسبت به سیاست‌های امریکا در منطقه از عراق واحد حمایت می‌کند (خسروی و اسدی، ۱۳۹۷: ۱۴۹-۱۴۸).

۴- عدم قطعیت‌های اصلی و سناریوهای نظام سیاسی عراق

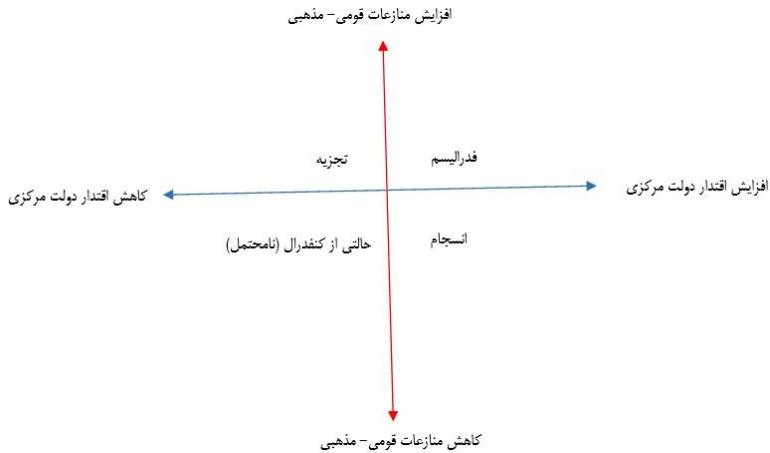
با توجه به جایگاه نیروهای داخلی عراق، دولت مرکزی، کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای و همچنین برآورد امکانات و راهبردهای آن‌ها، می‌توان تصویری از سناریوهای آینده نظام سیاسی عراق ارائه داد. از برآیند خواسته‌ها، اهداف، منافع و جایگاه سه سطح تحلیل (داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی) که در عراق کنونی دخیل هستند، با توجه به مطالعات صورت گرفته و همچنین کسب نظرات خبرگان به دو عدم قطعیت اصلی می‌رسیم که در تعیین آینده نظام سیاسی این کشور تأثیرگذارند؛ توضیح اینکه، بعد از بررسی عوامل و پیشران‌های تأثیرگذار بر نظام سیاسی عراق، دو عدم قطعیت اصلی به‌مثابه عوامل تعیین‌کننده آینده نظام سیاسی عراق شناسایی شدند که عبارت‌اند از: اقتدار دولت مرکزی و منازعات قومی- مذهبی.

منابع اقتدار دولت مرکزی به مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی نظیر توانمندی نظامی، مشروعیت سیاسی، توانمندی اقتصادی، مدارای قومی و مذهبی و میزان همگرایی گروه‌های مختلف با قدرت مرکزی، گره خورده است؛ پس با تغییر در این شاخص‌ها، اقتدار دولت مرکزی افزایش یا کاهش می‌یابد. به‌عبارت‌دیگر، درحالی‌که اقتدار به مفهوم قدرت مشروع قابل طرح است، حمایت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نیز در افزایش یا کاهش اقتدار دولت مرکزی می‌تواند تأثیرگذار باشد؛ همان‌طور که در مقابله دولت عراق با داعش همکاری و حمایت‌های بازیگران خارجی نقش اساسی داشت. مؤلفه منازعات قومی- مذهبی در عراق، یکی دیگر از عدم قطعیت کلیدی است که آینده نظام سیاسی در عراق را تعیین می‌کند. درحالی‌که در مؤلفه نخست یعنی اقتدار دولت مرکزی شیعیان نقش اصلی را دارند، در این مؤلفه، نوع رویکردها و رفتارهای گروه‌های کُرد و اهل سنت بیشترین اثرگذاری را دارند. تقویت گرایش‌های واگرایانه گروه‌های کُرد و سنی و افزایش منازعه آن‌ها با دولت مرکزی و شیعیان به‌عنوان متغیر مهمی است که در آینده نظام سیاسی عراق نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. با این حال، در این مؤلفه نیز اثرگذاری بازیگران خارجی نقش مهمی را ایفا می‌کند. به این صورت که اگر بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای حمایت از قومیت‌ها و گروه‌های قومی و مذهبی را در برابر دولت مرکزی در دستور کار خود قرار دهند، نه تنها تساهل قومی و

مذهبی از بین می‌رود، بلکه منازعات سیر صعودی خواهند گرفت. پس اگر گروه‌های قومی و مذهبی اصلی در عراق از لحاظ داخلی و خارجی تقویت یا تضعیف شوند، تضادها و تنش‌های آن‌ها با دولت مرکزی رو به فزونی یا نقصان خواهد گذاشت.

به منظور طراحی سناریوهای بدیل نظام سیاسی عراق بر اساس دو عدم قطعیت بالا، برای هر یک از این دو عدم قطعیت دو حالت اصلی در نظر گرفته شده است. حالت‌های عدم قطعیت کلیدی نخست یعنی اقتدار دولت مرکزی عبارتند از: افزایش اقتدار دولت مرکزی و کاهش اقتدار دولت مرکزی. حالت‌های عدم قطعیت کلیدی یعنی منازعات قومی - مذهبی است که عبارتند از: افزایش منازعات قومی - مذهبی و کاهش منازعات قومی - مذهبی. بر اساس حالت‌های دوگانه این دو عدم قطعیت در وهله نخست احتمال وقوع چهار وضعیت وجود خواهد داشت. در وضعیت نخست افزایش اقتدار دولت مرکزی با افزایش منازعات قومی و مذهبی همراه است که نتیجه آن سناریوی فدرالیسم است. در وضعیت دوم کاهش اقتدار دولت مرکزی با افزایش منازعات قومی و مذهبی همراه است که برآیند آن سناریوی تجزیه عراق خواهد بود. در وضعیت سوم افزایش اقتدار دولت مرکزی با کاهش منازعات قومی و مذهبی در این کشور همراه خواهد بود که سناریوی انسجام و وحدت عراق را منجر می‌شود. در وضعیت چهارم کاهش اقتدار دولت مرکزی با کاهش منازعات قومی و مذهبی قابل تصور است که شرایطی نزدیک به کنفدرالیسم را در پی دارد. اما به توجه به باورپذیری اندک چنین وضعیتی و احتمال کم تحقق آن، به عنوان سناریوی بدیل مورد بررسی قرار نگرفته است. پس سه سناریوی بدیل برای آینده نظام سیاسی در عراق قابل تصور است که عبارتند از: سناریوهای تجزیه عراق، فدرالیسم و عراق منسجم.

نمودار عدم قطعیت‌ها و سناریوهای نظام سیاسی عراق

**الف) سناریوی تجزیه**

دو مولفه اصلی این سناریو عبارت است از کاهش جدی اقتدار و حاکمیت دولت مرکزی و افزایش منازعات قومی و مذهبی. در این سناریو دولت مرکزی به تدریج قدرت و مشروعیت خود را ازدست می‌دهد و توان اداره امور و مدیریت بحران‌های داخلی را ندارد. از مهم‌ترین مشخصه‌های مرتبط با دولت مرکزی در این سناریو عبارت است از: بحران سیاسی و فقدان هرگونه همکاری و هماهنگی بین احزاب و جریان‌های سیاسی برای تشکیل دولت مقتدر و فراگیر؛ تشدید فرقه‌گرایی سیاسی و سازماندهی احزاب بر اساس پایگاه قومی و مذهبی؛ کاهش توان نظامی دولت مرکزی و افزایش توان و نقش گروه‌های شبه‌نظامی از جمله پیشمرگه و شبه‌نظامیان شیعی و سنی؛ شکل‌گیری بحران اقتصادی و ناتوانی دولت در ارائه خدمات عمومی و تامین نیازهای اقتصادی شهروندان. هم‌چنین در سناریوی تجزیه ضمن تشدید و تقویت هویت و گرایش‌های جدایی‌طلبی قومی و فرقه‌ای، درگیری‌ها و منازعات بین گروه‌های قومی و مذهبی با همدیگر و دولت مرکزی افزایش می‌یابد و هویت ملی بسیار تضعیف می‌شود. این منازعات به ویژه بر سر کنترل مناطق مورد مناقشه مانند کرکوک تشدید شده و می‌تواند هزینه‌های زیادی را باعث شود. در حالی‌که کردها درصد کنترل تمامی مناطق مورد مناقشه هستند، اهل سنت تسلط بر مرکز را حیاتی قلمداد می‌کند و گروه‌های شیعی نیز علاوه بر کنترل استان‌های جنوبی حاکمیت بر بغداد و شهرهای مقدس را مدنظر قرار خواهند داد.

مؤلفه مهم دیگر سناریوی تجزیه، مداخله فزاینده بازیگران خارجی برای حمایت گروه‌های عراقی همسو و تاثیرگذاری در شکل‌گیری دولت‌های جدیدی است که می‌تواند جایگزین عراق

شود. ضمن اینکه چنین فضایی با گسترش خشونت‌ها سبب تشدید رقابت‌ها و اختلافات منطقه‌ای می‌شود و روند تجزیه عراق را به بحرانی منطقه‌ای تبدیل می‌کند. نتیجه کلی این سناریو را می‌توان در دو حالت متفاوت در نظر گرفت یکی تجزیه عراق به دو کشور عربی و کُردی یا به عبارتی جدایی کردستان از عراق و دیگری تجزیه عراق به سه کشور کردی، شیعی و سنی است.

(ب) سناریوی فدرالیسم

دو مؤلفه اصلی این سناریو عبارت است از: افزایش اقتدار دولت مرکزی و افزایش منازعات قومی و مذهبی در عراق. در این سناریو اقتدار و توانمندی نسبتاً بالای دولت مرکزی و ابزارهای سیاسی و نظامی - امنیتی و همچنین ظرفیت‌های اقتصادی مانع از رفتن عراق به سمت فروپاشی و تجزیه خواهد شد. اما در عین حال تقویت هویت‌های قومی - فرقه‌ای، تشدید مرکزگریزی و افزایش تمایلات گروه‌های قومی و فرقه‌ای برای شکل‌دهی به موجودیت‌های سیاسی محلی یا خودگردانی محلی باعث می‌شود گزینه فدرالیسم به عنوان راه‌حلی جدی مورد توجه قرار گیرد. درحالی‌که منازعات قومی و مذهبی افزایش یافته است، توان و اقتدار دولت مرکزی مانع از آن می‌شود که بحران‌های اساسی و بی‌ثباتی‌های دایمی در عراق ایجاد شود و بحران‌ها و منازعات با راه‌حل فدرالیسم کنترل می‌شود. نکته مهم در این باره نگرانی بازیگران خارجی از گسترش منازعات درونی عراق به فراتر از مرزها است و امکان گسترش و سرایت بی‌ثباتی و منازعه به منطقه باعث می‌شود این بازیگران از دولت مرکزی حمایت نمایند.

در این سناریو گروه‌های قومی - مذهبی به سمت گزینه خودگردانی محلی در چهارچوب فدرالیسم و اقلیم مختص خود سوق می‌یابند؛ به‌گونه‌ای که مرزهای دولت‌های محلی در عراق در طول خطوط قومی یا مذهبی ترسیم می‌شود تا سه گروه بزرگ این کشور یعنی شیعیان، سنی‌ها و کردها کنترل مشخصی بر امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود داشته باشند. ترسیم خطوط مرزهای منطقه‌ای در طول خطوط قومی و مذهبی، سه واحد فدرال مجزا را در عراق پدید خواهد آورد که در آن کردها، شیعیان و سنی‌ها هرکدام دارای اکثریت خواهند بود. البته مدل‌های مختلفی از فدرالیسم در عراق، موردنظر است، اما در این شرایط که منازعات قومی و مذهبی تشدید شده، الگوی سه فدرالی بیشتر به واقعیت نزدیک است.

از این رو، تمامی گروه‌های اکثریت به دنبال قدرت، امنیت و حوزه نفوذ بیشتر خود خواهند بود؛ گروه‌های قومی - مذهبی با توسل به قانون اساسی که موضوع فدرالیسم را به رسمیت شناخته است، سعی می‌کنند فدرال و کانتون خاص خود را تشکیل دهند؛ کردها به دنبال تصاحب مناطق مورد مناقشه به‌خصوص کرکوک هستند تا پایه‌های خودمختاری خود را تحکیم بخشند و در یک یا دو فدرال موجودیت خود را ادامه دهند؛ در صورتی‌که تمایل آنها به استقلال کامل از دولت عراق مطرح نباشد، احتمال دارد کشورهای منطقه در نهایت با آنها کنار بیابند؛ شیعیان

جنوب با داشتن ذخایر عظیم نفتی خود و راه داشتن به دریا، می‌تواند فدرال یا کانتون خاص خود را بنا کند. سنی‌ها به جهت مقابله با نفوذ ایران و از طرفی مخالفت با دولت مرکزی و تشویق و ترغیب کشورهای عربی در پی ایجاد اقلیم در قلب عراق هستند. با این تمایلات و گرایش‌ها، سرانجام نظام فدرالیسم بر عراق حاکم می‌شود.

هر چند نتیجه نهایی در این سناریو تثبیت و تقویت نظام فدرالی در عراق خواهد بود، اما چنین وضعیتی می‌تواند شکننده تلقی شود و به مثابه‌ی بستری برای انتقال عراق به مرحله تجزیه کامل تلقی شود. به خصوص در شکل‌دهی به واحدهای فدرالی یا اقلیم، مشکلات و اختلافاتی بروز می‌یابد و تداوم پیدا می‌کند که به مرزهای اقلیم در مناطق مورد مناقشه و اختیارات اقلیم در تعارض با مرکز مربوط خواهد بود. موضوع مهم دیگر اینکه با بروز ضعف در دولت مرکزی یا کاهش حمایت‌های خارجی از بغداد، احتمال تقویت گرایش‌ها و تلاش‌های استقلال‌خواهانه واحدهای فدرال وجود دارد که چنین شرایطی احتمال رفتن عراق به سمت تجزیه را به شدت افزایش دهد.

ج) سناریوی عراق منسجم

مؤلفه‌های اصلی سناریوی عراق منسجم شامل افزایش اقتدار دولت مرکزی و کاهش منازعات قومی و مذهبی در عراق است. در این سناریو دولت مرکزی موفق شده است تا ابعاد و ارکان مختلف قدرت خود را افزایش دهد و به مشروعیت قابل توجهی دست یابد. در شرایطی که توان نظامی و امنیتی دولت مرکزی در سطح بالایی قرار دارد و با اصلاحات اقتصادی و ارایه خدمات، وضعیت اقتصادی کشور بهبود یافته است، همگرایی و همکاری جریان‌های سیاسی نیز قابل ملاحظه است. حمایت‌های خارجی از دولت مرکزی عراق به منظور حفظ ثبات عراق و منطقه نیز به افزایش کارآمدی و مشروعیت دولت مرکزی کمک کرده است. هم‌چنین در میان گروه‌های قومی و مذهبی مختلف پذیرش قدرت دولت مرکزی و تقویت هویت ملی مشهود است و گروه‌های مختلف منافع همگرایی و همکاری‌های ملی را از تشدید اختلافات و رقابت‌ها بیشتر می‌دانند. نتیجه کلی این سناریو حرکت عراق از تداوم منازعات قومی و مذهبی و بی‌ثباتی‌های نسبی به سمت انسجام و وحدت ملی است. به ویژه اینکه در فضای افزایش قدرت و حاکمیت دولت مرکزی مزایای همکاری و همگرایی با بغداد و هزینه‌های منازعات و واگرایی برای گروه‌های مختلف افزایش می‌یابد. منازعات قومی و مذهبی به تدریج رو به کاهش می‌گذارد و عراق در قالب نظام سیاسی دموکراتیک و پارلمانی به سمت شرایط باثبات‌تری سوق پیدا می‌کند. با این حال، اقلیم‌گردی همچنان به عنوان تنها واحد فدرالی در این کشور ادامه حیات می‌دهد. اما اختلافات بغداد و اربیل به شکل قابل ملاحظه‌ای کاهش خواهد یافت.

نتیجه‌گیری

رصد و مطالعه مواضع و منافع گروه‌های داخلی عراق، منافع و تهدیدات امنیتی کشورهای منطقه‌ای (ایران، ترکیه، عربستان سعودی و دیگر کشورها) و فرمانطقه‌ای (ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، روسیه و غیره) حکایت از آن دارد که تجزیه عراق به نفع این کشورها نخواهد بود؛ و منجر به تنش بیشتر در منطقه و جهان خواهد شد؛ بنابراین، تجزیه عراق امری نیست که به راحتی اتفاق بیافتد و به این کشور ختم شود؛ بلکه تجزیه عراق می‌تواند جنگ داخلی تمام‌عیاری را در پی داشته باشد که دامنه آن تمام منطقه را در برمی‌گیرد، موضوعی که برای همسایگان عراق و منافع ایالات متحده آمریکا و حتی کشورهای اروپایی پیامدهای منفی متعددی خواهد داشت. در نتیجه، به میان آمدن منافع و تهدیدات امنیتی آمریکا، اتحادیه اروپا و کشورهای همسایه عاملی خواهد بود که این کشورها نهایت تلاش خود را برای جلوگیری از تجزیه عراق به عمل آورند؛ سرازیر شدن آوارگان عراقی به کشورهای همسایه، گسترش تروریسم و افراط‌گری در سطح جهان، شکل‌گیری جنبش‌های جدایی‌طلبانه در کشورهای همسایه و به خطر افتادن منابع نفتی موجود در منطقه و غیره از جمله عواملی هستند که کشورهای مذکور را وادار به ممانعت از تجزیه این کشور می‌کند؛ نمونه این تلاش ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی جهت مقابله با تجزیه عراق را در موضوع همه‌پرسی استقلال کردستان در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷، شاهد بودیم که تجزیه این کشور در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مورد مخالفت جدی قرار گرفت. علاوه بر این موارد، تجزیه عراق پیامدها و چالش‌هایی با خود دارد که عملی شدن آن را در آینده نزدیک، با محدودیت مواجه می‌سازد.

مبحث بعدی برآورد امکان‌پذیری سناریوی دوم، فدرالیسم مبتنی بر قومیت و مذهب به‌عنوان یکی از سناریوهای سه‌گانه آینده نظام سیاسی عراق است؛ هرچند موضوع فدرالیسم در قانون اساسی عراق به رسمیت شناخته شده است، اما در عمل، منظور و مقصود آن بیشتر یک نظام فدرال بر مبنای اداری و استانی است تا یک نظام فدرال مبتنی بر قومیت و مذهب. در واقع، فدرالیسمی قومی- مذهبی در منطقه خاورمیانه (که همواره ساختاری تنش‌زا دارد) دارای پیامدها و تبعاتی همانند تجزیه است. لازم به یادآوری است، فدرالیسم قومی تنها برای منطقه کردستان که دارای اکثریت مطلق کُرد هست، به رسمیت شناخته شده است، اما برای دیگر گروه‌های قومی- مذهبی به دلیل معضلات و چالش‌هایی که در پی دارد، تاکنون مورد پذیرش واقع نشده است. معضلات و چالش‌های عدم اجرایی شدن فدرالیسم در عراق بدین شرح است: عدم تمرکز جغرافیایی دیگر قومیت‌ها و مذاهب، سیاست‌های ترحیل (کوچاندن اجباری اقلیت‌ها) و تعریب (عربی‌سازی) رژیم بعث و تا حدودی سیاست‌گذاری حکومت منطقه‌ای کردستان در برخی مناطق مختلط قومی- مذهبی (نظیر کرکوک، دیالی و غیره)، شکاف بین مناطق

برخوردار و مناطق فقیر و توزیع ناعادلانه ثروت در مناطق شمالی و جنوبی به نسبت مناطق مرکزی و حساسیت کشورهای منطقه با اقلیت‌های کرد و عرب یا شیعه و سنی. دو سناریوی پیشین (تجزیه و فدرالیسم کامل) هنوز فعلیت نیافته‌اند؛ اما سناریوی سوم یعنی عراق منسجم بارها تکرار و تا حدودی امکان‌پذیری آن تجربه شده است؛ بنابراین، در حال حاضر، محتمل‌ترین سناریو، گزینه انسجام و ثبات آینده نظام سیاسی عراق است؛ به این معنی که در شرایط مناسب منطقه‌ای و بین‌المللی و در وضعیتی که اراده و تمایل بازیگران اثرگذار خارجی بر حفظ وحدت عراق قرار گیرد، دولت مرکزی عراق قادر خواهد بود، با بهره‌گیری از توان خود به صورت جدی تجزیه‌طلبی را مهار و انسجام سیاسی عراق را حفظ کند. در مجموع، حفظ انسجام عراق (با حکومتی دموکراتیک و قائل به اصول آن) به نسبت سناریوهای دیگر به نفع عراق و ثبات منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد بود.

کتاب‌نامه

۱. اسدی، علی‌اکبر. (۱۳۹۵ ب). آینده وحدت سرزمینی عراق، قسمت پنجم: نقش عوامل اقتصادی و ژئوپلیتیکی کردی. *ماهنامه آینده‌پژوهی*، ۴۲، ۲۱-۱۹.
۲. اسدی، علی‌اکبر. (۱۳۹۵ الف). آینده وحدت سرزمینی عراق، قسمت دوم؛ تأثیر پیشران‌های شیعی. *ماهنامه آینده‌پژوهی*، ۳۸، ۱۳-۱۶.
۳. اسدی، علی‌اکبر. (۱۳۹۳). *روند دولت- ملت‌سازی در عراق جدید و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
۴. اسلامی، مسعود؛ کوهی، ابراهیم؛ راستگو، محمدزمان. (۱۳۹۳). چالش‌های تجزیه عراق: منافع آمریکا و کشورهای همسایه (ایران، ترکیه و عربستان). *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۳(۲)، ۱۱-۳۰.
۵. اندونی، لمیس. (۲۰ آبان ۱۳۹۶). «چرا اسرائیل از جدایی کردستان عراق حمایت می‌کند؟»، *یورونیوز فارسی*، قابل مشاهده در: <http://fa.euronews.com/2017/10/07/why-is-israel-supporting-kurdish-secession-from-iraq>
۶. پورسعید، فرزاد (۱۳۸۹). «برآورد استراتژیک عراق آینده»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، مقاله ۷، دوره ۱۳، شماره ۴۷، بهار ۸۹، صص ۱۷۷-۲۱۲.
۷. پیشگاهی‌فرد، زهرا؛ کریمی، حسن. (۱۳۹۷). بررسی پیامدهای منطقه‌ای همه‌پرسی در کردستان عراق، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۵۰(۴)، ۱۰۲۹-۱۰۴۷.
۸. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). تأثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه. *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، ۸۳، ۳۶-۵.

۹. خسروی، علی‌رضا؛ اسدی، علی‌اکبر. (۱۳۹۷). *آینده معمای استقلال کردی؛ بازیگران، موضوع‌ها و استراتژی‌ها*. تهران: مؤسسه افق آینده‌پژوهی راهبردی.
۱۰. راستگو، محمدزمان. (۱۳۸۶). *تأثیر منازعات قومی و مذهبی بر روند سیاسی عراق؛ تجزیه یا انسجام*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه.
۱۱. راستگو، محمدزمان. (۱۳۹۷). *تأثیر منازعات قومی - مذهبی عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*. رساله دوره دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۱۲. الرواشدی، عبدالرحمن و آخرون (۲۰۱۲). *العرب السنه فی العراق؛ تاریخهم - واقعهم - مستقبلهم*، الرياض: مکتب مجله البیان.
۱۳. الزبیدی، حسن لطیف؛ العبادی، نعمه محمد؛ السعدون، عاطف لافی. (۱۳۹۴). *عراق در جست‌وجوی آینده*. ترجمه علی شمس. تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
۱۴. شوارتز، پیتر. (۱۳۸۶). *هنر دورنگری: برنامه‌ریزی برای آینده در دنیای عدم قطعیت*، برگردان و تدوین: عزیز علیزاده و عبدالمجید کرامت‌زاده، تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
۱۵. قاسمی، محمدعلی. (۱۳۸۹). *بازیگران مؤثر بر آینده عراق: منافع و سناریوها*. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۳(۱)، ۵۸-۳۷.
۱۶. قاسمی، محمدعلی. (۱۳۹۰). *بازیگران مؤثر بر عراق آینده: منافع و سناریوها در چشم‌انداز عراق آینده؛ بررسی روندهای داخلی و خارجی*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۷. گالبرایت، پیتر. (۱۳۹۲). *پایان عراق؛ چگونه بی‌کفایتی آمریکا جنگ نافرجامی را رقم زد؟* ترجمه محمدزمان راستگو و فرج‌الله اردیزی، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۸. ناکاش، بیتراک. (۱۳۸۲). *بدون مانیفست؛ نگاهی به وضعیت کنونی شیعیان عراق*. ترجمه محمدعلی معتضدیان، *فصلنامه زمانه*، ۱۳، ۶۸-۷۰.
۱۹. الهاشمی، محمد صادق. (۲۰۰۷). *مشروع المصالحة و مستقبل العراق السياسي*، قم: مرکز العراق للدراسات.
۲۰. هینبوش، ریموند؛ احتشامی، انوشیروان. (۱۳۸۲). *سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه*. ترجمه علی گل محمدی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

References

1. Hashemi, Mohammad Sadiq (2007), *The project of reconciliation and the political future of Iraq*, Qom: Iraq Studies Center. (in Arabic).
2. Pour Saeed, Farzad (2011), " Strategic assessment of the future of Iraq" in the perspective of the future of Iraq; review of internal and external trends, Tehran: *Strategic Studies Institute*. (in Persian)
3. Schwartz, Peter. (2007), *The Art of the Long View: Planning for the future in an uncertain world*, Translated and Edited by: Aziz Alizadeh and Abdul Majid Keramatzadeh, Tehran: Defense Industry Research Institute, Science and Technology futurology defense Center. (in Persian).
4. "Erdogan warns of 'ethnic war' risk over Iraqi Kurdish independence" (2017). Daily mail, 26 September, From: <http://www.dailymail.co.uk/wires/afp/article-4920888/Erdogan-warns-ethnic-war-risk-Iraqi-Kurdish-independence.html>, (accessed on Oct 10, 2017).
5. "Iran bans fuel trade with Kurds after 'Yes' vote in independence referendum" (2017). *France24*, 29 September, from: <http://www.france24.com/en/20170930-iran-kurdistan-ban-fuel-trade-independence-referendum-erbil-iraq-turkey-israel>, (accessed on Oct 16, 2017).
6. "Statement of the Spokesperson on the referendum held by the Kurdistan Regional Government" (2017). *An official website of the European Union*, September 26, From: <https://eeas.europa.eu/headquarters/headquartershomepage/32785/statement-spokesperson-referendum-held-kurdistan-regionalgovernment>, (accessed on October 30, 2017).
7. al-Rawashdi, Abd al-Rahman et al. (2012), *Sunni Arabs in Iraq: their History-their Reality- their Future*, Riyadh: Al Bayan. (in Arabic)
8. Al-Zobadi, H., Al-Ebadi N., AtefLafi, S., (2015) *Iraq Seeking for Future*, translated by Ali Shams, Tehran: AndisheSazan-e-Noor Institute Publication. (in Persian)
9. Anderson, Liam and Gareth Stansfield (2014), *The Future of Iraq: Dictatorship, Democracy or Division?* Martin's Press
10. Andoni, Lamis (2017). "Why is Israel supporting Kurdish secession from Iraq?", *Aljazeera*, October 7, From: <http://www.aljazeera.com/indepth/opinion/israel-supporting-kurdish-secession-iraq-171006105039473.html>, (accessed on Oct 20, 2017).
11. Asadi, Ali Akbar (2014), *Process of State –Nation Building in the New Iraq*, Tehran: AndisheSazan-e-Noor Institute Publication. (in Persian)
12. Asadi, Ali Akbar (2016), "The future of Iraq's territorial integrity; Part II: Shiite Drivers' Effect", *In Futures Studies Letters Monthly*, Issue 38, November, pp 13-16. (in Persian)
13. Asadi, Ali Akbar (2017), "The future of Iraq's territorial integrity; Part V: Role of Kurdish Economic and Geopolitical Factors", *In Futures Studies Letters Monthly*, Issue 42, February & March, pp 13-16. (in Persian)

14. Dodge, Toby (2005), *Iraq's future: the aftermath of regime change*, UK, Routledge for the International Institute for Strategic Studies, Adelphi Papers.
15. Eslami, M., Koochi E. Rastgoo, MZ (2014), "Disintegration of Iraq and its Challenges: The Role of U.S. and Neighboring Countries; Iran, Turkey and Saudi Arabia", *A Quarterly Journal of Political Studies of Islamic World*, 3 (10), Summer, pp 11-30. (in Persian)
16. Galbraith, Peter. (2007); *the End of Iraq: How American Incompetence Created a War without End*, Simon & Schuster.
17. Galbraith, Peter. (2013); *the End of Iraq: How American Incompetence Created a War without End*, translated by Mohammadzaman Rastgoo and Farajollah Ardizi, Tehran: The Center for Islamic Revolution Documents. (in Persian)
18. Ghasemi, Mohammad Ali (2010). "Efficient Actors in Future Iraq: Interests and Scenarios", *Strategic Studies Quarterly*, Article 2, Volume 13, Issue 47, Spring, pp 37-58. (in Persian)
19. Ghasemi, Mohammad Ali (2011). "Effective Actors on the Future of Iraq: Interests and Scenarios" *in the perspective of the future of Iraq; review of internal and external trends*, Tehran: Strategic Studies Institute. (in Persian)
20. Hafeznia, Mohammad Reza, (2006), "The Kurdish Autonomy of the Iraqi Kurds on the neighboring countries," *Quarterly Journal of Geographic Research*, Vol. 83, Winter, pp. 5-36. (in Persian)
21. Hinnebusch, Raymond, Ehteshami, Anoshirvan, (2003), *Foreign Policy of the Middle East*, Translated by Ali Golmohammadi, Tehran: Strategic Studies Research Center. (in Persian)
22. Ibish, Hussein, (2017). "The Gulf Arab Countries and the Kurdish Referendum", *worldview*, October 4, From: <https://worldview.stratfor.com/article/gulf-arab-countries-and-kurdish-referendum>.
23. Khosravi, Alireza, Asadi, Aliakbar, (2018), *The future independence of the Kurdish dilemma, actors, topics and strategies*, Tehran: Strategic Futures Studies Horizon Institute. (in Persian)
24. Nakash, Yitzhak (2003), "No Manifesto; Current condition of the Iraqi Shias", Translated by Mohammad Ali Motazedian, Tehran: *Zamaneh magazine*, No 13. (in Persian)
25. O'Leary, Brendan, McGarry, John, and Salih, Khaled (2006). *The Future of Kurdistan in Iraq*, University of Pennsylvania Press.
26. Pishgahifard, Zahra, Karimi, Hasan (2019), "A Study of the Regional Consequences of the Referendum in Iraqi Kurdistan", *Human Geography Research Quarterly*, 50, Issue 4, Winter 2019, Pages 1029-1047. (in Persian)
27. Rastgoo, Mohammad Zaman (2007), *The Impact of Ethic and religious Conflict on Iraq's Political process*, M.A. Thesis, Tehran: School of International relations. (in Persian)

28. Rastgoo, Mohammad Zaman (2018), *The Impact of Ethno-religious conflicts in Iraq on The Islamic Republic of Iran's national security*, PhD. Thesis, Tehran: Tarbiat Modares University. (in Persian)
29. Salim, Mustafa, DeYoung, Karen and El-Ghobashy, Tamer (2017). "Tillerson says Kurdish independence referendum is illegitimate", *Washington post*, September 29, from: <https://www.washingtonpost.com>, (accessed on October 30, 2017).